



Analysis of Zionist Regime Strategic Documents (National Security Strategy, Eisenkot Strategy and Military Strategy)

Rahman Habibi, MS of International Relations, Shahid Beheshti University , Tehran, Iran

Alireza Roudbari, Associate Professor, Shahid Sattari University, Tehran, Iran

Majid Yousefi, PhD in Strategic Management from National Defense University

Received: 10/08/2021

Acceptance: 15/09/2021

Abstract

The usual way for most countries to set important national security priorities is to provide strategic documentation. These strategic documents are derived from the specific strategic culture of the same country, and therefore are not fundamentally different from their past strategies, and have only taken different priorities according to internal and external requirements. Whether the strategies are formally formulated in a document and made available to the public or referred to by government leaders in their speeches, they have two important functions: goal-setting and problem-solving. It shows each country's perception or worldview of the world, its place in it, possible goals and aspirations, and appropriate policies to achieve those goals.

The Zionist regime has a territorial claim to its surroundings and seeks to expand its territory and sphere of national power, in order to increase its strategic depth. Israel's actions in recent years

show that the actor has a confrontational approach and, given its geostrategic position and strategic culture, pursues an aggressive approach towards its neighbors and the region. Given that the policies and orientations of this actor can affect the regional security system and directly and indirectly on Iran's national security, it is necessary to refer to the strategic documents of this regime, to understand the components and strategic structures of national security of this actor. Accordingly, it is necessary to review the strategic documents and understand the perceptions and security priorities of this actor. Therefore, the research question is, how is the content of the strategic documents of the Zionist Regime?

The nature of this descriptive-analytical research is from type a qualitative case study and the method of qualitative content analysis has been used to investigate the subject. The statistical population of this project is the recent strategic documents of the Zionist Regime. To investigate this issue, an attempt has been made to extract basic concepts from the existing literature and strategic documents. The five main categories used in this study include "Strategic Perspective", "Interests and Objectives", "Threats", "Tools" and "Methods of Action", and the number of sub-categories 14 and sub-categories of level two 58 is the case. Therefore, based on these main and sub-categories an attempt has been made to codify and analyze the three documents of the Zionist regime, including the National Security Strategy, Eisenkot Strategy and Military Strategy.

The Zionist regime emphasizes on threats "conventional-military" such as the possibility of military operations by government actors, especially Iran, Lebanon, failed governments, and Syria with widespread conflict. as well as emphasizes threats



“civilian-nonviolent and violent” such as anti-Israel sentiments for The denial of the legitimacy of the Jewish state, the promotion of economic boycotts against Israel, the growing asymmetric threat and serious damage by terrorist organizations, as well as the spread of terrorist force in densely populated areas of ownerless lands. This regime in the tools to “military and intelligence tools” and in how to use the tools is focused to “readiness and subdue” in the approach and to “unilateralism or false multilateralism” in methods of action.

In general, the worldview of the Zionist regime is based on Hobbesian culture and hostility. Where there is a highly pessimistic view of the environment and the future, and in the event of war, it recognizes no boundaries for violence. Using active and preemptive strikes to achieve strategic victory and balance change, destroying the capabilities of Hezbollah and Hamas by destroying its forces, inflicting heavy damage on NGOs and destroying their infrastructure, and creating focused efforts to counter and neutralize unconventional weapons, Is one of the characteristics of the Hobbesian worldview of the Zionist regime. As well as, the revisionism of the Zionist regime’s policies is another feature of this worldview. So that the Zionist regime uses, even in a normal situation (one of the triple situations of “normal, emergency and war”), a set of defensive and offensive measures, military and civilian, overt and covert to prevent the development of enemy capabilities and reduce freedom of action.

Keywords; Zionist Regime, Strategic Documents, Strategic Perspectives, Targeting and Orientations.

تحلیل اسناد راهبردی اسرائیل (راهبرد امنیت ملی، راهبرد آیزنکوت و راهبرد نظامی)

مقاله پژوهشی

رحمان حبیبی؛ دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)^۱

مجید یوسفی؛ دانش آموخته دکتری مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران
علیرضا رودباری، دانشیار دانشگاه علوم هوانوردی شهید ستاری، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹

صص: ۳۸-۹

۱. چکیده

روش معمول بیشتر بازیگران برای تعیین اولویت‌های مهم امنیت ملی، ارائه اسناد راهبردی است که به تعیین منافع، درک آن‌ها از تهدیدات و تعدادی از راه‌حل‌های مناسب برای حفظ امنیت ملی می‌پردازد. با توجه به آنکه اهداف اسرائیل مستقیم و غیرمستقیم منافع ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بررسی اسناد راهبردی و درک این بازیگر ضروری است. بنابراین این پرسش مطرح می‌شود که محتوای اسناد راهبردی اسرائیل چگونه است؟ ماهیت این پژوهش توصیفی تحلیلی از نوع مطالعه موردی کیفی است و از روش تجزیه و تحلیل محتوای کیفی برای بررسی موضوع استفاده می‌کنیم. جامعه آماری این طرح اسناد راهبردی اخیر اسرائیل است. برای بررسی این موضوع مفاهیم اساسی را از ادبیات موجود و اسناد راهبردی استخراج کردیم. در این بررسی از این پنج مقوله اصلی استفاده کرده‌ایم: «دیدگاه راهبردی»، «اهداف و منافع»،

1. r.habibi7234@gmail.com

«تهدیدات»، «ابزارها» و «روش‌های اقدام». تعداد زیرمقوله‌های فرعی ۱۴ و زیرمقوله‌های فرعی سطح دو نیز ۵۸ مورد است. یافته‌های حاصل از بررسی اسناد راهبردی اسرائیل نشان می‌دهد که این بازیگر محیط پیرامونی خود را رقابتی می‌بیند. اسناد راهبردی اسرائیل در مقوله‌های اهداف به «حفظ دوره آرامش، تمامیت ارضی و امتیازهای امنیتی اسرائیل» و «بهبود قابلیت‌های نظامی»، «تهدیدات به «نظامی-متعارف و غیرنظامی-خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز»، ابزارها به «ابزار نظامی و اطلاعات» و روش به‌کارگیری از ابزارها در رویکرد به «آمادگی و تسلیم کردن» و در شیوه اقدام به «یک‌جانبه‌گرایی یا چندجانبه‌گرایی دروغین» اشاره دارد.

کلیدواژه‌ها: اسرائیل، اسناد راهبردی، جهت‌گیری، دیدگاه‌های راهبردی، هدف‌گذاری.

۲. مقدمه

اسرائیل نسبت به جغرافیای پیرامون خود ادعای ارضی دارد و به دنبال گسترش قلمرو و حوزه قدرت ملی خود است تا بتواند عمق راهبردیش را افزایش دهد. اقدامات اسرائیل در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که این بازیگر رویکردی مقابله‌جویانه دارد و با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک و فرهنگ راهبردیش، رویکرد تهاجمی را در قبال همسایگان و منطقه دنبال می‌کند. اسرائیل با تلقی تهدیدات از سوی مخالفانش به عنوان تهدید وجودی نسبت به بقای خود، دست به اقدامات نظامی پیش‌دستانه می‌زند. به طوری که به همراه برخی دیگر از کشورهای منطقه همچون عربستان و ترکیه، برای افزایش نفوذ خود و تضعیف حضور ایران در منطقه، سرنگونی رژیم اسد را در دستور کار خود قرار داد و حملات هوایی علیه مواضع دولت سوریه و حزب الله را در پیش گرفت. همچنین با تلقی تهدیدبودن برنامه هسته‌ای ایران نسبت به امنیت ملی خود، تلاش می‌کند با انجام حملات سایبری به سایت‌های هسته‌ای و ترور دانشمندان هسته‌ای، در توان هسته‌ای ایران اختلال ایجاد کند. در این مقاله برای شناسایی اهداف، تهدیدات، ابزارها و رویکردهای اسرائیل براساس اسناد راهبردی آن، در پی پاسخ به این پرسش هستیم که هدف‌گذاری و جهت‌گیری‌های اسرائیل براساس اسناد امنیتی مریدور، آیزنکوت و نظامی چگونه است؟ به بیان دیگر، محتوای اسناد راهبردی اسرائیل چگونه است و بر چه مؤلفه‌ها و گزاره‌هایی تأکید می‌کند؟

اسرائیل یک یا چند سند راهبردی دارد که این اسناد، راهبردهایی را برای تضمین موجودیت،

حفظ و گسترش منافع ملی ارائه می‌دهد (Reese, 2013: 2)؛ این راهبردها به‌طور رسمی در قالب یک سند تهیه می‌شوند و در اختیار عموم قرار گیرند یا رهبران دولت در قدرت، با سخنرانی‌های خود به آن اشاره می‌کنند. این راهبردها دو کارکرد مهم هدف‌گذاری و حل مشکلات را بر عهده دارند و درک یا جهان‌بینی هر کشور را نسبت به جهان، جایگاه خود در آن، اهداف و تمایلات احتمالی و سیاست‌های مناسب برای دستیابی به آن اهداف را نشان می‌دهد (Pynnöniemi et al, 2018: 7-10). بدین معنی که همه این اسناد راهبردی به اولویت‌بندی اهداف ملی می‌پردازند که متناظر با ارزش‌های یک کشور است و بعد از شناسایی تهدیدات اصلی نسبت به منافع و امنیت ملی، ابزارهای ضروری و مناسب برای دستیابی به این اهداف و دفع تهدیدات را مورد توجه قرار می‌دهند.

پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده‌اند، جنبه‌های خاصی از رفتار اسرائیل را بررسی کرده‌اند و نسبت به درک اهداف، ابزارها و رویکردهای اسرائیل براساس اسناد راهبردی آن بی‌توجه بودند. در این پژوهش می‌کوشیم دیدگاه راهبردی اسرائیل در ارتباط با محیط بین‌المللی و منطقه‌ای، جایگاه آن در نظم منطقه‌ای و اهدافی که برای خود تعریف کرده است، بیان کنیم. همچنین بررسی می‌کنیم جهت‌گیری‌ها و سیاست‌هایی که این بازیگر برای دستیابی به اهدافش در اسناد راهبردی تعیین کرده است.

۳. مبانی مفهومی

نظریه هرمنوتیک

در این پژوهش از علم هرمنوتیک برای فهم و بررسی متون اسناد راهبردی اسرائیل بهره می‌گیریم. در مورد هرمنوتیک تعاریف متفاوتی وجود دارد، اما توجه به دو نکته می‌تواند ما را به تعریف به‌نسبت جامعی از هرمنوتیک برساند: اول اینکه، مقوله «فهم» یا «تفسیر و تأویل» به‌دلیل ارتباط آن با تفسیر نشانه‌ها را می‌توان وجه مشترک همه نحله‌ها و مکاتب هرمنوتیکی دانست. همچنین نحله‌های مختلف از چند محور فرعی همچون ماهیت فهم، اهداف فهم، روش‌ها و قواعد فهم و موانع فهم برخوردارند. بنابراین علم هرمنوتیک، علمی است که نظریه فهم را از جهت ارتباط آن با تفسیر نشانه‌ها مطالعه و ماهیت، اهداف، عوامل، موانع و ضوابط فهم را بررسی می‌کند (Abedi Sar Asia, 1395: 93).

هرمنوتیک از نظر کاربرد آن به دو دسته هرمنوتیک متن و هرمنوتیک فلسفی تقسیم می‌شود. هرمنوتیک متن، هرمنوتیک شلایر ماخر است که متن را تفسیر می‌کند و کارکرد هرمنوتیک را در حوزه متن می‌بیند. هرمنوتیک فلسفی، هرمنوتیک هایدگر است که هرمنوتیک را در ساخت وجودشناسی به کار می‌گیرد و از آن برای تفسیر هستی بهره می‌برد. از نظر شلایر ماخر هدف هرمنوتیک برای بازاندیشی و تأمل و تلاش برای تغییر ساختار شناخت و کشف زوایای پنهان حاکم بر جهان و طبیعت انسانی است. شلایر ماخر دو نوع روش دستوری و فنی را عرضه کرد که تفسیر دستوری متوجه ویژگی‌های گفتار و انواع عبارت‌ها و صوت‌های زبانی و فرهنگی است که مؤلف در آن زیست کرده و تفکر او را مشروط ساخته است. تفسیر فنی یا روان‌شناختی به فردیت نهفته در پیام مؤلف و ذهنیت خاص وی توجه دارد. بعدها ویلهلم دیلتای رویکرد شلایر ماخر را گسترش داد. دیلتای مانند شلایر ماخر به دنبال دست‌یابی به اعتبار عینی برای تفسیر و تأویل بود و مانند او عقیده داشت که مفسر برای رسیدن به فهم و تفسیر درست باید ذهن خود را از پیش‌داوری‌ها پاک کند (Mousavi, 1386: 51-53). علم هرمنوتیک می‌تواند به روشن کردن مفاهیم مبهم در متون و ارائه معانی فهم‌پذیرتر از آن به عموم مردم کمک کند. با به‌کارگیری علم هرمنوتیک می‌توان به بخشی از انگیزه‌های تصمیم‌گیرندگان و مؤلفان دست یافت (Ebrahimi, 1390: 72-74). وقتی از تأویل متن صحبت می‌کنیم، بدین معنی است که می‌کوشیم آن متن را به معنای اصیل خودش بازگردانیم. در واقع، واژه تأویل را به معنای کوشش در کشف معناهای پنهان متن (نوشتاری و گفتاری) یا کنش یا رویداد و نیز کوشش برای ساختن معناهای تازه برای آن‌ها به کار می‌بریم. به‌طور کلی، تأویل خوانش متن است که با فهم معناها یا ساختن معناها، سرانجام می‌یابد. هرمنوتیک یک دانش ورشته علمی است که از نظریه‌های مربوط به فهم بحث می‌کند. (Mousavi, 1386: 164).

۴. اسناد راهبردی اسرائیل

اسناد راهبردی اسرائیل را می‌توان به دو دسته کلی اسناد امنیتی (تدوین‌شده از سوی مقامات سیاسی) و اسناد نظامی (تدوین‌شده از سوی ارتش اسرائیل) تقسیم‌بندی کرد (Finkel, 2020: 7). از زمان تأسیس اسرائیل تاکنون هیچ سند امنیتی راهبردی رسمی و مکتوبی منتشر نشده است. با این حال، یکسری آموزه‌ها و اصولی از طرف برخی از مقامات اسرائیل مطرح شده است که

می توان از آن‌ها به‌عنوان جهت‌گیری کلی امنیتی و نظامی اسرائیل یاد کرد. برخی از کارشناسان استدلال می‌کنند که منتشر نشدن سند امنیتی و نظامی جدید توسط دولت‌های بعد از بن‌گورون می‌تواند ناشی از احترام به آموزه‌های او باشد. اما دلیلی اصلی آن بیشتر نبود زیرساخت‌های قانونی در اسرائیل است (Nagel & Schanzer, 2019: 1-2).

بعد از سال ۲۰۰۰ تعدادی راهبرد نظامی تدوین شدند و به‌تبع این راهبردها، برنامه چندساله نظامی با عنوان کلا (۲۰۰۲)، تیفن (۲۰۰۷)، تیوزا (۲۰۱۳)، گیدئون (۲۰۱۶) و در حال حاضر تنوفا یا مومنتوم (۲۰۲۰) ارائه شدند. همه این راهبردها و برنامه‌های نظامی به‌صورت دور از دسترس برای غیرنظامیان و به‌شکل داخلی منتشر شدند. در این میان تنها راهبرد نظامی آیزنکوت در سال ۲۰۱۵ برای اولین بار به‌صورت علنی منتشر شد.

جدول ۱: تاریخچه اسناد راهبردی اسرائیل

راهبرد ملی	راهبرد نظامی
بن‌گوریون در دهه ۱۹۵۰ - موشه دایان در دهه ۱۹۷۰-۲۰۰۶ (مریدور) - ۲۰۱۸ (نتانياهو) - ۲۰۱۹ (آیزنکوت)	۲۰۰۲ (مفاض)، ۲۰۰۶ (حالتوس)، ۲۰۱۳ (گانتز)، ۲۰۱۵ (آیزنکوت)، ۲۰۱۹ (کوخواوی)

۱-۴. راهبرد امنیت ملی

اسرائیل تاکنون راهبرد امنیتی رسمی و مدونی را منتشر نکرده است. ارتش اسرائیل در حوزه انتشار داخلی اسناد راهبردی نظامی موفق‌تر بود. با این حال، راهبرد امنیت ملی اسرائیل مبنای تدوین دکترین و راهبردهای بعدی است. به‌طوری که «راهبرد نظامی آیزنکوت» که در سال ۲۰۱۵ منتشر شد، نیاز اساسی به راهبرد امنیت ملی را مطرح می‌کند. از آنجایی که «راهبرد ۲۰۱۵» قرار بود از یک راهبرد امنیت ملی رسمی تهیه شود، ولی به‌دلیل نبود چنین راهبردی،

1. kela
2. Tefen
3. teuza
4. Gideon
5. Tnufa (Momentum)

چارچوب راهبردی (اهداف ملی، عوامل تهدید، اصول دکترین امنیت ملی، و ارتباط بین اهداف ملی و استفاده از زور) به عنوان جایگزینی برای راهبرد امنیت ملی در ابتدای سند ۲۰۱۵ ارائه شد (Meridor & Eldadi, 2019: 63). تلاش‌ها برای انتشار راهبرد امنیت ملی ادامه داشت تا اینکه در اوایل سال ۲۰۰۶، وزیر دفاع، شاول مفاض^۱ و نخست‌وزیر وقت، آریل شارون^۲ از کمیته دن مریدور^۳ خواسته بودند که تغییرات و روندهای موجود در محیط راهبردی و نظامی اسرائیل را تحلیل کند و با توجه به چالش‌های اصلی امنیتی که در دهه ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ رخ خواهد داد، دکترین امنیت ملی اسرائیل را اصلاح کند (Finkel, 2020: 7).

کمیته تدوین دکترین امنیت ملی اسرائیل، به سرپرستی دن مریدور تلاش‌هایی را برای تدوین راهبرد امنیت ملی انجام داد و نسخه طبقه‌بندی‌شده آن را به مفاض، وزیر دفاع و نخست‌وزیر وقت، ایهود اولمرت^۴ داد. با این حال این سند به‌طور رسمی منتشر نشده است تا اینکه در سال ۲۰۱۹ مرکز مطالعات امنیت ملی^۵ وابسته به دانشگاه تل آویو، نسخه غیرطبقه‌بندی شده آن را منتشر کرد.

در سال ۲۰۱۹ سند امنیتی با عنوان «دستورالعملی برای راهبرد امنیت ملی اسرائیل» از سوی مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک منتشر شد. این سند به این دلیل اهمیت ویژه‌ای دارد که به قلم‌گادی آیزنکوت^۶ و گابی سیبونی^۷ از مقامات پیشین نظامی اسرائیل نوشته شده است و به‌نوعی دیدگاه امنیتی اخیر اسرائیل را در محیط راهبردی و راهکارهای مقابله با تهدیدات نشان می‌دهد. این سند نیز مانند آموزه‌ها و اسناد امنیتی گذشته ضمن تأکید به اهدافی همچون پیوند

1. Shaul Mofaz

2. Ariel Sharon (2001-2006)

3. Dan Meridor

4. Ehud Olmert (2006-2009)

5. نسخه کامل این سند ۲۵۰ صفحه است که کمیته مریدور آن را با عنوان «فوق امنیتی» طبقه‌بندی کرد و نسخه با عنوان «فوق محرمانه» برای گسترش بحث و تبلیغ توصیه‌های کمیته در سازمان دفاعی منتشر شده است. نسخه طبقه‌بندی‌نشده این سند مربوط به مرکز مطالعات امنیت ملی است که در سال ۲۰۱۹ منتشر شده است.

6. Institute for National Security Studies (INSS)

7. Gadi Eisenkot

8. Gabi Siboni

با یهودیت در جهان، تقویت مزایای کیفی اسرائیل، تقویت جایگاه اسرائیل در بین کشورهای جهان، به توسعه سرمایه انسانی و قدرت اقتصادی اسرائیل، تحریک یهودیان و استقرار آنها در همه مناطق کشور، حفظ زیرساخت‌ها، جلوگیری از ظهور تهدیدات غیرمعارف و حفظ بازدارندگی نیز توجه دارد. این سند تهدید نسبت به منافع و امنیت اسرائیل را در تهدیدات متعارف، غیرمعارف، پایین‌تر از سطح متعارف و تهدیدات سایبری و اطلاعاتی می‌بیند. براساس سند ۲۰۱۹، مقابله با این تهدیدات نیز با مشارکت‌های سیاسی و نظامی فعالانه، ایجاد بازدارندگی، خنثی کردن تهدیدات در صورت لزوم و طولانی کردن فاصله‌ها بین رویارویی ممکن می‌شود (Eisenkot & Siboni, 2019: 9-7 & 20 & 29).

۲-۴. راهبرد نظامی

در اوایل سال ۲۰۰۰ تلاش‌هایی برای تدوین راهبردهای نظامی در ارتش اسرائیل انجام شد. این نوع از اسناد راهبردی که به‌عنوان تدابیر عملیاتی^۱ یاد می‌شوند، به‌صورت عمومی منتشر نمی‌شوند و انتشار آنها به‌شکل سند داخلی ارتش^۲ است (Finkel, 2020: 7). راهبرد ارتش پایه و اساس مفهومی و عملی همه اسناد بنیادی نظامی در ارتش اسرائیل را تشکیل می‌دهد. این اسناد راهبردی مبنای فرایندی است که ارتش در چارچوب برنامه چندساله نظامی پیش خواهد برد (Israel's IDF, 2015: 2-3). به‌طوری که در مورد برنامه گیدئون گفته شد، این برنامه بخشی از یک بررسی گسترده‌تر و جامع تفکر راهبردی ارتش اسرائیل است که در راهبرد ارتش در سال ۲۰۱۵ تجسم یافته است (Freilich, 2018: 198-200). در سال ۲۰۱۵ گادی آیزنکوت، فرمانده ستاد کل فرماندهی و عملیات ارتش اسرائیل راهبرد جدیدی ارائه داد. همانند تدابیر عملیاتی که تاکنون به‌صورت داخلی منتشر می‌شد، این سند نیز برای اهداف داخلی بود، اما برخلاف پیشینیان خود، برای گفت‌وگوی آزاد با رده سیاسی انتشار یافت. برای اولین بار بود که در اسرائیل سند راهبردی منتشر شد که ماهیت تهدیدات، اصول دکترین امنیت ملی، اهداف راهبردی و پاسخ نظامی را علنی بیان کرد. با این حال، راهبرد آیزنکوت یک راهبرد نظامی و نه راهبرد امنیت ملی بود. به‌نظر می‌رسد

1. operational concepts

۲. سندی که برای غیرنظامیان در دسترس نیست

این سند، واکنشی نسبت به نبود اسناد امنیت ملی رسمی در اسرائیل است تا مقامات سیاسی این رژیم را به انتشار این اسناد تشویق کند (Meridor & Eldadi, 2019: 63).

تمرکز راهبرد آیزنکوت مربوط به به‌کارگیری نیروی نظامی برای مقابله با حزب‌الله و حماس است. این سند در مقایسه با راهبرد بنی گانتز (۲۰۱۳) توجه بیشتری به موضوعات سایبری دارد و اسرائیل به دنبال ایجاد مشروعیت برای اقدامات خود از راه فعالیت در حوزه سایبری است (Finkel, 2020: 12).

برنامه پنج‌ساله گیدئون که براساس سند راهبرد آیزنکوت (۲۰۱۵) به صورت داخلی منتشر شد به توسعه توانایی‌های ارتش اسرائیل برای اقدام علیه حماس و حزب‌الله تأکید دارد. این برنامه مربوط به طرح‌هایی برای ایجاد فرماندهی‌های جدید سایبری و کماندو و همچنین گردان‌هایی برای مأموریت‌های امنیت مرزی می‌شود (Freilich, 2018: 200-201). طبق گزارش اندیشکده بگین سادات^۱، برنامه گیدئون موفق شد آمادگی نیروی زمینی ارتش اسرائیل را به سطحی برساند بالاتر از آنچه در گذشته بود. همچنین این طرح توانست به اهدافی همچون تقویت توانایی نیروهای زمینی برای انجام مانورهای سریع در خاک دشمن و سرمایه‌گذاری گسترده در نیروی هوایی اسرائیل و قابلیت‌های اطلاعاتی برسد (Lappin, 2020: 2). گزارش اندیشکده مرکز مطالعات امنیت ملی وابسته به دانشگاه تل‌آویو نیز اشاره می‌کند که برنامه گیدئون توانست آمادگی نیروی زمینی را که پیش از این به‌عنوان پاشنه آشیل اسرائیل بوده است بهبود بخشد و توجه به تیپ‌های زرهی را در اولویت ارتش اسرائیل قرار دهد (Finkel Gal, 2020: 4).

۳-۴. مکاتب فکری و اندیشه‌های غالب

اسناد راهبردی اسرائیل یک روند تداومی و تکاملی دارند. به طوری که این اسناد متناسب با اصول امنیتی و فرهنگ راهبردی تداوم یافتند. در همان حال، بنا بر شرایط و مقتضیات داخلی و منطقه‌ای، مفاهیم و مؤلفه‌های جدیدی به آن‌ها اضافه شده است. روح حاکم بر این اسناد مبتنی بر فرهنگ آگاهی از نداشتن عمق راهبردی و دغدغه بقا و همچنین مفهوم «دیوار آهنین»^۲ زیو ژابوتینسکی^۳ و ایده‌های مرتبط با اندیشه‌های بن‌گوریون است. براساس مفهوم دیوار آهنین،

1. Begin-sadat
2. iron wall
3. Zeev Jabotinsky

رسیدن به توافق داوطلبانه و صلح غیر ممکن است. تنها راه دستیابی به چنین توافقی، دیوار آهنین است، یعنی دستیابی به قدرتی قوی در فلسطین که از هیچ فشار عربی متأثر نمی شود و دشمنان را به این نتیجه برساند که اقدامات نظامی آن‌ها بی فایده است. بنابراین تنها راه رسیدن به توافق در آینده براساس مفهوم «دیوار آهنین»، رهاکردن همه ایده‌های خواهان یک توافق کنونی است. اگر اسرائیل قوی شود دشمنان امیدی برای رهایی از آن ندارند، زیرا آن‌ها نمی‌توانند هیچ نفوذی در دیوار آهنین ایجاد کنند. همچنین با کنار رفتن رهبران تندرو، قدرت به گروه‌های میانه‌رو منتقل می‌شود و در آن زمان اسرائیل می‌تواند با این کشورها به توافق برسد (Nagel & Schanzer, 2019: 2-3). بن‌گوریون در مورد ضرورت مداوم به خودآزمایی و تنظیم مسیر اسرائیل با توجه به واقعیت در حال تغییر و چالش‌های پیش رو می‌گوید: «ما همیشه باید یک قاعده اصلی را به خاطر بسپاریم، اگر مجبور به جنگ شویم، در گذشته نمی‌جنگیم، بلکه در آینده می‌جنگیم. آنچه در گذشته موفقیت‌آمیز بود، الزاماً در آینده موفق و مناسب نخواهد بود... ضرورت هوشیاربودن ما را ملزم می‌کند که با توجه به واقعیت در حال تغییر، وسایل دفاعی خود را هر از گاهی بررسی کنیم و با زمان‌ها همگام باشیم» (Meridor & Eldadi, 2019: 9). بن‌گوریون ضمن تأکید به نیروی ذخیره برای آمادگی اسرائیل، معتقد است که پاسخ امنیتی این رژیم باید مبتنی بر این دو اصل باشد: ۱. انتقال جنگ به داخل خاک دشمن با توجه به نبود عمق راهبردی اسرائیل و ۲. به سرانجام رساندن اقدامات نظامی در کمترین زمان ممکن، به دلیل دشواری‌های اقتصادی برای به‌کارگیری یک نیروی ذخیره و چالش در حفظ حقانیت و مشروعیت بین‌المللی استفاده از نیروی زور (Eisenkot & Siboni, 2019: 30). در پروتکل‌های بیست و چهار گانه یهود (۱۸۹۷) که در واقع اصول سیاست صهیونیسم و نوع نگرش آنان را نشان می‌دهد تا حدودی به این موضوعات اشاره شده است. به طوری که در پروتکل هفتم آمده است، اسرائیل باید خودش را برای دفاع و حملات شدید، سرکوب قیام‌های عاملان آن، برافروختن جنگ‌های محدود و منطقه‌ای مسلح کند. در پروتکل هجدهم نیز اشاره شده است که اسرائیل باید همه توطئه‌های داخلی و خارجی را زیر نظر بگیرد و اقداماتی را علیه آن‌ها در پیش بگیرد (Kim, 1396: 95-96). در نتیجه، این اصلی اساسی در تفکر امنیتی و نظامی اسرائیل است که در دوره‌های زمانی آن را مورد توجه قرار داده است. نمونه آن را می‌توان در جنگ اول لبنان ۱۹۸۲ یافت که در آن، اسرائیل به جنوب لبنان

حمله کرد تا هم بتواند به حضور سوریه به‌عنوان تهدید از سوی ارتش ملی (مطابق با دکترین بن گوریون) پایان دهد و هم اینکه ساف را به‌عنوان تهدیدی از سوی یک گروه خرابکار (مطابق با دکترین موشه دایان) خارج کند.

۴-۴. ویژگی اسناد راهبردی

اسناد راهبردی اسرائیل ویژگی‌های مشترکی دارند و ساختار آن‌ها متشکل از عناصر مشابهی است. این اسناد نتیجه مطالعه از محیط راهبردی و پاسخ به تهدیدات برای دستیابی به اهداف است. همچنین مبتنی بر سیستمی از مفاهیم تفسیری است که واقعیت‌های موجود در آن زمان و فرهنگ راهبردی آن کشور را منعکس می‌کند (Finkel, 2020: 5-6). بنابراین می‌توان گفت که این اسناد راهبردی از یکسری ویژگی‌های ساختاری مشابهی، جدا از کشور تدوین‌کننده آن برخوردارند. به طوری که در فرایند تدوین اسناد راهبردی به این موارد توجه می‌شود: ۱. تجزیه و تحلیل وضعیت راهبردی (چالش و زمین؛ آن)؛ ۲. تعیین اهداف مورد نظر، شامل تعریف اهداف سیاسی فراگیر و اهداف خاص مورد نیاز برای دستیابی به آن؛ ۳. شناسایی و توسعه ابزارها (منابع و قابلیت‌ها)؛ ۴. طراحی شیوه‌هایی برای استفاده از ابزارها برای رسیدن به اهداف مورد نظر؛ ۵. ارزیابی هزینه‌ها و خطرات مرتبط با راهبرد (Heffington et al, 2019: 1-4). باید به این نکته توجه داشت، هرچند این اسناد در ظاهر باهم مشابهت‌هایی دارند، از نظر محتوایی متفاوت هستند، چراکه این اسناد بنا بر شرایط محیطی و فرهنگی خاص همان کشور تدوین می‌شوند. چنانچه استراتژیست‌ها با توجه به این مؤلفه‌ها به عدم قطعیت‌های مهم و خاص آن کشور چه در آینده و چه در حال حاضر می‌پردازند و در مورد پیامدهای بی‌عملی و انجام برخی از اقدامات خاص و همچنین واقعیت‌های موجود و ناشناخته فرضیه‌هایی را ارائه می‌دهند. از نظر لاین^۱ اسناد راهبردی سه مقوله را شامل می‌شود: ۱. تعیین منافع امنیتی؛ ۲. شناسایی تهدیدات نسبت به این منافع؛ ۳. تصمیم‌گیری در مورد اینکه چگونه منابع دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی دولت به‌عنوان ابزاری برای حفاظت از آن منافع به‌کار گرفته شود (Layne, 1997: 86).

1. Layne

پینونیمی^۱ و همکارانش نیز معتقدند که این اسناد دو کارکرد مهم هدف‌گذاری و حل مشکلات را بر عهده دارند و درک یا جهان‌بینی هر کشور را در ارتباط با دیدگاه هر کشور از محیط بین‌الملل، جایگاه خود بازیگر در آن، اهداف مرتبط با شکل‌دهی به محیط راهبردی و سیاست‌های مناسب برای دست‌یابی به این اهداف را در برمی‌گیرند (Pynnöniemi et al, 2018: 7 & 10). بنابراین برای بررسی اسناد راهبردی و شناسایی درک و جهان‌بینی (هدف‌گذاری و جهت‌گیری‌ها) اسرائیل، باید به مقولات گفته شده توجه داشته باشد. به طوری که در بحث هدف‌گذاری باید مقوله «دیدگاه راهبردی» و «منافع و اهداف» و در بحث جهت‌گیری‌ها نیز باید «تهدیدات»، «ابزارها» و «روش‌های به‌کارگیری از ابزار» مورد توجه قرار گیرد. این پنج مقوله استخراج شده از ادبیات پژوهش و اسناد راهبردی این بازیگر به همراه زیرمقوله‌های آن از یک سو کل اسناد راهبردی را پوشش می‌دهند و از سوی دیگر به فهم درک و جهان‌بینی اسرائیل، کمک می‌کنند. مقوله‌های اصلی و زیرمقوله‌های مرتبط برای بررسی اسناد راهبردی و جهان‌بینی اسرائیل را در جدول ۲ می‌بینیم.

جدول ۲: مقوله‌ها، زیرمقوله‌ها و زیرمقوله‌های فرعی سطح ۲

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	زیرمقوله‌های فرعی سطح ۲
1. دیدگاه راهبردی	1. رقابت	1. مکانی
		2. موقعیتی
		3. ایده‌ای
		4. دیگر روندهای چالشی
2. همکاری	2. همکاری	5. ضمنی
		6. نامتقارن
		7. همه‌جانبه

1. Pynnöniemi

8. حیاتی	3. منافع	2. اهداف و منافع
9. مهم		
10. حاشیه‌ای		
11. کوتاه‌مدت	4. اهداف	
12. میان‌مدت		
13. بلندمدت		
14. متعارف	5. نظامی	3. تهدیدات
15. غیرمتعارف		
16. پایین‌تر از حد متعارف		
17. طبیعی ارگانیک	6. غیرنظامی	
18. طبیعی غیرارگانیک		
19. انسانی خشونت‌آمیز		
20. انسانی غیر خشونت‌آمیز		
	7. تهدیدات دیگر	
21. ارائه	8. دیپلماسی	4. ابزارها
22. مذاکره		
23. اجرا		
24. محدودیت‌های دیپلماتیک		
25. دیگر اقدامات دیپلماتیک		
26. ادراک	9. اطلاعات	
27. اطلاع‌رسانی		

28. کنترل	9. اطلاعات	4. ابزارها
29. دیگر اقدامات اطلاعاتی و امنیتی		
30. اعمال زور	10. نظامی	
31. تهدید به زور		
32. آماده‌سازی نیرو		
33. تقویت توان نظامی		
34. کمک	11. اقتصادی	
35. محدودیت در کمک‌ها		
36. تجارت		
37. محدودیت در تجارت		
38. مالی		
39. محدودیت مالی		
40. دیگر اقدامات اقتصادی	12. دیگر ابزارها	
41. بهداشتی و اجتماعی		
42. علمی و فناوری		
43. زیست‌محیطی		

44. همساز شدن	13. رویکردها	5. روش‌های به‌کارگیری از ابزارها
45. شکل‌دهی		
46. متقاعد کردن		
47. توانمندسازی		
48. آمادگی		
49. ترغیب کردن		
50. تعهدپذیری		
51. اجبار		
52. تسلیم کردن		
53. از بین بردن		
54. یک‌جانبه	14. شیوه‌های اقدام	
55. دو یا چندجانبه دروغین		
56. چندجانبه		
57. آشکار		
58. پنهان		

۵. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش توصیفی تحلیلی و از نوع روش موردی، اسناد راهبردی اسرائیل را بررسی می‌کنیم. جامعه آماری اسناد راهبردی منتشرشده اسرائیل است. نمونه‌گیری در رویکرد کیفی و در این پژوهش به صورت هدفمند و کامل است تا از این راه بتوان به پرسش‌های پژوهش پاسخ دهیم (Tabrizi, 1393:115). بنابراین در بحث اسرائیل، آخرین اسناد راهبردی این بازیگر همچون «راهبرد امنیت ملی ۲۰۰۶ که نسخه طبقه‌بندی‌نشده آن را در سال ۲۰۱۹ مؤسسه مطالعات امنیت ملی منتشر کرد»، «راهبرد نظامی اسرائیل ۲۰۱۵» و «رهنمودی برای راهبرد امنیت ملی اسرائیل که در سال ۲۰۱۹ مؤسسه واشینگتن منتشر کرد» بررسی می‌کنیم. اهمیت

سند آخری و استفاده از آن به عنوان یکی از منابع سه گانه تحلیل محتوا به دلیل جایگاه نویسندگان آن است. یکی از نویسندگان این سند، ژنرال گادی آیزنکوت، فرمانده ستاد کل و عملیات نیروی دفاعی اسرائیل در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ است که اکنون عضو نظامی مؤسسه واشینگتن است. دیگری سرهنگ گابی سیبونی پژوهشگر و مدیر امور نظامی و برنامه‌های امنیت سایبری مؤسسه مطالعات امنیت ملی وابسته به دانشگاه تل‌آویو است.

برای تحلیل داده‌های کیفی روش‌های گوناگونی وجود دارد که در این میان می‌توان به روش تحلیل محتوا اشاره کرد. چلیسکی، تحلیل محتوا را رویه‌ای برای جمع‌آوری و سازمان‌دهی اطلاعات در یک شکل استاندارد شده می‌داند که در پی پاسخ‌گویی به پرسشی از نوع چه چیزی است تا اینکه در مورد چرایی باشد (Momeni Rad, 1392: 191). تحلیل محتوای کیفی اصالت داده‌ها را به شکل ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر می‌کند و عینیت نتایج به وسیله وجود یک فرایند کدبندی نظام‌مند تضمین می‌شود. تحلیل کیفی به فراسوی کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و محتوای آشکار و پنهان را به صورت محتوای آشکار بررسی می‌کند. هرچند رویکرد کمی در تحلیل محتوا آمار و ارقام تولید می‌کند، اما رویکرد کیفی در تحلیل محتوا، موضوع مورد مطالعه را توصیف و تفسیر می‌کند (Tayebi Abolhassani, 1398: 81-82). سیوفانگ و شنون رویکردهای تحلیل محتوا را در سه رهیافت تحلیل محتوای متعارف (استقرایی)، هدایت شده (قیاسی) و تجمعی (کمی-کیفی) قرار می‌دهند. در این پژوهش از رویکرد تحلیل محتوای متعارف استفاده می‌کنیم. در واقع استفاده از رویکرد متعارف تحلیل محتوا هنگامی ضرورت می‌یابد که نظریه‌ها و ادبیات پژوهش در مورد یک پدیده محدود باشد و پژوهشگر تلاش می‌کند با به‌کارگیری این رویکرد دانش لازم را در حوزه موضوع مدنظر به دست آورد (Hsieh & Shannon, 2005: 1279). این شیوه تحلیل به دنبال ارائه توصیفی دقیق پیرامون یک موضوع است. هدف پژوهش استقرایی، کمک به پدید آمدن یافته‌های پژوهش با توجه به مضامین مسلط در داده‌ها است. بدین معنی که پژوهشگر با رجوع به داده‌های مورد مطالعه، آن‌ها را خلاصه می‌کند تا سرانجام به اصلی‌ترین مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع پژوهش دست یابد (Tabrizi, 1393: 122-123). در رویکرد استقرایی نیز دو شیوه اصلی برای انتخاب مقولات وجود دارد: در شیوه اول، محقق با استفاده از مفاهیم هر حوزه عنوان‌هایی را به عنوان مقولات در نظر می‌گیرد. مبدأ این مفاهیم، پیشینه پژوهش و دانش نظری است که پژوهشگر

در ذهن دارد و در طول پژوهش، راهنمای وی خواهد بود؛ در شیوه دوم، پژوهشگر از اصطلاحات و عنوان‌هایی که خود مردم برای نامیدن جهانشان از آن استفاده می‌کنند بهره می‌برد و در واژه‌ها و اصطلاحات خاص آن سند و متون معنای حقیقی را درمی‌یابد (Tabrizi, 1393: 125). در این پژوهش از شیوه اول استفاده می‌کنیم و با استفاده از پیشینه پژوهش و مباحث نظری، مقولات فراگیر را استخراج می‌کنیم. در مرحله بعدی مقولاتی که نزدیکی بیشتری دارند زیر مجموعه مقولات عام‌تر قرار می‌گیرند.

۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

با توجه به مقولات فراگیر و فرعی استخراج‌شده از ادبیات پژوهش و اسناد راهبردی اسرائیل و همچنین براساس روش تجزیه و تحلیل محتوای کیفی، کدگذاری و تحلیل هر یک از اسناد راهبردی جداگانه صورت می‌گیرد.

جدول ۳: تحلیل اسناد راهبردی اسرائیل

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	موضوعات اصلی و مورد تأکید	درصد فراوانی
دیدگاه راهبردی	رقابت	موقعیتی و روندهای چالشی (تلاش رقابتی ایران و دیگران در منطقه)	69.31
	همکاری	تمام‌عیار و نامتقارن (تلاش‌های انجام‌شده برای تقویت اسرائیل)	30.68
منافع و اهداف		حفظ دوره آرامش، تمامیت ارضی و امتیازهای امنیتی اسرائیل	50.23
		بهبود قابلیت‌های نظامی اسرائیل	33.80
		تقویت موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای اسرائیل	8.86
		بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی	4.01
		سایر اهداف	3.10

56.92	انسانی غیرخسونت‌آمیز و خسونت‌آمیز	غیرنظامی	تهدیدات	
22.69	متعارف و غیرمتعارف	نظامی		
20.38	چالش‌های امنیتی و جغرافیایی برای اسرائیل	تهدیدات دیگر		
63.71	بهبود توان نظامی و اعمال زور	نظامی	ابزارها	
23.52	اقدامات اطلاعاتی و امنیتی، ادراک و کنترل	اطلاعات		
7.80	ارائه و مذاکره	دیپلماسی		
2.60	اقدامات زیرساختی	اقتصادی		
2.36	بهداشتی و اجتماعی	ابزارهای دیگر		
56.85	آمادگی (نظامی و اطلاعاتی)	رویکردها	روش‌های به‌کارگیری از ابزارها	
23.28	تسلیم‌کردن (نظامی)			
9.21	شکل‌دهی (اطلاعات و دیپلماسی)			
4.60	اجبار (نظامی)			
2.60	ترغیب‌کردن (دیپلماسی)			
3.46	رویکردهای دیگر			
87.17	یک‌جانبه‌گرایی			شیوه اقدام
12.82	دو یا چندجانبه‌گرایی دروغین			
7.79	چندجانبه‌گرایی			
78.22	آشکار			
21.77	پنهان (اطلاعات و نظامی)			

۱-۶. راهبرد امنیت ملی

۱-۱-۶. دیدگاه راهبردی

یافته‌های حاصل از بررسی سند امنیتی مریدور نشان می‌دهد که دیدگاه راهبردی اسرائیل مبتنی بر رقابت (۶۷،۳۹ درصد) با تأکید بر رقابت موقعیتی و دیگر روندهای چالشی است. به طوری

که به تلاش ایران برای دستیابی به قدرت هسته‌ای و تلاش بازیگران غیردولتی مورد حمایت ایران همچون حزب الله برای تقویت حضور خود در سوریه و لبنان اشاره شده است. همکاری نیز ۳۲،۶۰ درصد از دیدگاه راهبردی اسرائیل را نشان می‌دهد. همان طوری که مشاهده می‌شود رقابتی بودن محیط منطقه‌ای و بین‌المللی نقش محوری در دیدگاه راهبردی اسرائیل دارد.

۲-۱-۶. منافع و اهداف

رقابتی بودن محیط منطقه‌ای و اقدامات ایران، حزب الله و دیگر جریان‌های اسلامی در دیدگاه اسرائیل سبب شد تل‌آویو اهدافی سیاسی همچون حفظ دوره آرامش، تمامیت ارضی و امتیازهای امنیتی، بهبود قابلیت نظامی و همچنین تقویت موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای اسرائیل را در دستور کار خود قرار دهد و اقداماتی را در زمینه حفظ موجودیت و بهبود قابلیت‌ها نظامی انجام دهد. شایان توجه اینکه وجود چنین رقابت‌های ژئوپلیتیکی و احساس به خطر افتادن موجودیت اسرائیل سبب شد که تل‌آویو به دنبال تحقق اهداف میان‌مدت و کوتاه‌مدت باشد. همچنین با توجه به اینکه اسرائیل خودش را به‌عنوان قدرت منطقه‌ای معرفی می‌کند و دغدغه حفظ بقا دارد، اهداف بلندمدت و ارزشی را مورد توجه قرار نداده است.

۳-۱-۶. تهدیدات

بررسی سند امنیتی مریدور نشان می‌دهد که ۶۶،۰۱ درصد از تهدیدات مدنظر این بازیگر مربوط به تهدیدات غیرنظامی از نوع انسانیِ خشونت‌آمیز برآمده از جهاد اسلامی، حماس و حزب الله است. تهدیدات نظامی با تأکید بر تهدیدات متعارف و غیرمتعارف (دستیابی ایران به توانایی هسته‌ای) ۱۹،۴۱ درصد از تهدیدات اسرائیل را به خود اختصاص می‌دهد. دیگر تهدیدات که بیشتر مربوط به چالش جغرافیایی، نبود متحد برای اتکا به آن و همچنین ناتوانایی‌های اسرائیل برای مقابله با تهدید تروریستی می‌شود، ۱۴،۵۶ درصد از تهدیدات را شامل می‌شود.

۴-۱-۶. ابزارها

بررسی سند راهبرد امنیتی مریدور نشان می‌دهد که اسرائیل بیشتر از ابزار نظامی با تأکید بر تقویت توان نظامی و اعمال زور (۶۴،۵۸ درصد) برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کند. ۱۷،۷۰ درصد از این ابزارها متعلق به ابزار اطلاعات با تأکید بر دیگر ابزارهای اطلاعات و امنیتی است. ابزار دیپلماسی نیز با تأکید بر زیرمقوله‌های فرعی ارائه و مذاکره، ۱۲،۸۴ درصد

از ابزارهای اسرائیل را تشکیل می‌دهد. دیگر ابزارها و ابزار اقتصادی به ترتیب ۲،۰۸ و ۲،۷۷ درصد از داده‌ها را به خودشان اختصاص داده‌اند که در مقایسه با ابزارهای نظامی و اطلاعاتی بسیار ناچیز هستند.

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که از مجموع این ابزارها، ۴۴،۰۹ درصد به هدف بهبود قابلیت نظامی و ۴۳،۴۰ درصد به هدف حفظ دوره آرامش، تمامیت ارضی و امتیازهای امنیتی اسرائیل اختصاص دارد. اهدافی همچون تقویت موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای اسرائیل و (۷،۶۳ درصد) بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی این رژیم (۸،۸۶ درصد) به ترتیب در رتبه‌های سوم و چهارم قرار می‌گیرند. در این میان، هدف انسجام اجتماعی و حمایت از یهودیان پراکنده (۰،۳۴ درصد) کمترین ابزار را به خود اختصاص داده است. از مجموع این ابزارها ۵۶،۲۵ درصد مربوط به اهداف میان‌مدت (بهبود قابلیت نظامی اسرائیل) و ۴۳،۷۵ درصد مربوط به اهداف کوتاه‌مدت (حفظ دوره آرامش، تمامیت ارضی و امتیازهای امنیتی اسرائیل) می‌شود.

۲-۶. روش به‌کارگیری از ابزارها

۱-۲-۶. رویکردها

یافته‌های حاصل از بررسی سند راهبردی امنیتی مریدور نشان می‌دهد که بیشتر تأکید اسرائیل به رویکرد آمادگی (۶۴،۲۳ درصد) است و مجموع رویکردهای تسلیم‌کردن (۱۲،۸۴ درصد)، شکل‌دهی (۷،۹۸ درصد)، اجبار (۴،۱۶ درصد)، از بین بردن (۳،۸۱ درصد) در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار می‌گیرند. رویکرد توانمندسازی با ۳۴،۰ درصد کمترین درصد را در رویکرد اسرائیل در استفاده از ابزارها برای پیشبرد اهداف و منافع نشان می‌دهد. رویکرد آمادگی در حوزه نظامی ۴۳،۷۵ درصد، آمادگی در حوزه اطلاعاتی ۱۵،۹۷ درصد، تسلیم‌کردن ۱۲،۸۴ درصد و شکل‌دهی با استفاده از ابزار دیپلماسی ۶،۲۵ درصد، حوزه‌هایی هستند که بیشترین درصد از کل رویکرد اسرائیل را تشکیل می‌دهند.

۲-۲-۶. شیوه اقدام

شیوه اقدام اسرائیل در حوزه آشکار بودن ابزارهای مورد استفاده برای دستیابی به اهداف، به ابزار نظامی متمرکز است و ابزارهای دیپلماسی، اطلاعات و اقتصادی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. شیوه اقدام پنهان نیز متمرکز به ابزار اطلاعات است و ابزار نظامی نیز بخش دیگری از این شیوه اقدام را شامل می‌شود. یافته‌های حاصل از بررسی سند راهبرد مریدور نشان می‌دهد که شیوه

اقدام اسرائیل در مورد یک‌جانبه یا چندجانبه بودن متمرکز بر یک‌جانبه و دو یا چندجانبه‌گرایی دروغین (۸۸،۶۹ درصد) است و چندجانبه‌گرایی، ۱۱،۳۰ درصد از شیوه اقدام این بازیگر را در برمی‌گیرد. در مورد شیوه اقدام آشکار یا پنهان بودن، ۸۵،۲۱ درصد از داده‌ها به شیوه اقدام آشکار و ۱۴،۷۸ درصد دیگر به شیوه اقدام پنهان اختصاص دارد. به طوری که در شیوه اقدام پنهان، خنثی کردن انواع چالش‌های تسلیحات غیرمتعارف و انجام اقداماتی برای کاهش آزادی عمل دشمن در شرایط عادی مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر این، اسرائیل به تحلیل اوضاع منطقه و هشدار زودهنگام اطلاعاتی درباره جنگ و توسعه هسته‌ای اشاره می‌کند.

۳-۶. راهبرد امنیتی آیزنکوت

۱-۳-۶. دیدگاه راهبردی

یافته‌های حاصل از بررسی سند امنیتی آیزنکوت نشان می‌دهد که بیشتر تأکید اسرائیل در دیدگاه راهبردی بر حوزه رقابت (۶۷،۵۶ درصد) با تأکید بر رقابت بین ایران و گروه‌های نیابتی آن با اردوگاه اهل سنت برای تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای در عراق، یمن، بحرین، سوریه، لبنان و نوار غزه و همچنین منازعه دوباره ابرقدرت‌ها در منطقه است. زیرمقوله همکاری با تأکید بر همکاری نامتقارن، ۳۲،۴۳ درصد از دیدگاه راهبردی اسرائیل را تشکیل می‌دهد.

۲-۳-۶. منافع و اهداف

رقابتی بودن محیط منطقه‌ای و اقدامات ایران و گروه نیابتی آن برای دستیابی به هژمونی منطقه‌ای که در دیدگاه اسرائیل وجود دارد، سبب شد تا تل‌آویو بیشتر، اهداف سیاسی «حفظ دوره آرامش، تمامیت ارضی و امتیازهای امنیتی» و «بهبود قابلیت‌های نظامی» را مورد توجه قرار دهد. مطابق این سند، تمرکز اصلی اسرائیل بر اهداف کوتاه‌مدت و میان‌مدت است تا این رژیم با در پیش گرفتن این اهداف و ابزارهای مرتبط، مانع از به خطر افتادن موقعیت و موجودیت شود. به همین دلیل، اسرائیل توجه چندانی به اهداف بلندمدت و حاشیه‌ای ندارد.

۳-۳-۶. تهدیدات

بررسی سند امنیتی آیزنکوت نشان می‌دهد که ۵۳،۱۷ درصد از تهدیدات اسرائیل مربوط به تهدیدات غیرنظامی از نوع انسانی غیرخشونت‌آمیزی همچون فعالیت رسانه‌ای و ایدئولوژیکی برای ایجاد احساسات ضد اسرائیلی به منظور انکار مشروعیت آن و اهریمن جلوه‌دادن این رژیم

است. تهدیدات نظامی با تأکید بر تهدیدات متعارف (ایران و لبنان) و غیرمتعارف (قابلیت هسته‌ای ایران) ۴۰ درصد از تهدیدات اسرائیل را به خود اختصاص می‌دهد. دیگر تهدیدات که بیشتر مربوط به چالش‌های جغرافیایی و ناتوانایی‌های نظامی اسرائیل برای مقابله با تهدیدات می‌شود، ۲۳،۰۱ درصد از تهدیدات را به خود اختصاص می‌دهد.

۴-۳-۶. ابزارها

بررسی سند امنیتی آیزنکوت نشان می‌دهد که اسرائیل بیشتر از ابزار نظامی با تأکید بر اعمال زور (۵۱،۵۲ درصد) برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کند. ۲۸،۳۸ درصد از این ابزارها متعلق به ابزار اطلاعات و با تأکید بر دیگر ابزار اطلاعاتی است. ابزارهای دیپلماسی، اقتصادی و دیگر ابزارها به ترتیب ۹،۶۰، ۶،۵۵ و ۳،۹۳ درصد از داده‌ها را به خود اختصاص دادند که در مقایسه با ابزارهای نظامی و اطلاعاتی ناچیز هستند.

بررسی داده‌های حاصل از بررسی راهبرد امنیتی آیزنکوت نشان می‌دهد که از مجموع این ابزارها، ۵۳،۷۱ درصد به هدف حفظ دوره آرامش، تمامیت ارضی و امتیازهای امنیتی اسرائیل اختصاص دارد. اهدافی همچون بهبود قابلیت‌های نظامی (۱۷،۹۰ درصد)، تقویت موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای اسرائیل (۹،۶۰ درصد) و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی (۸،۷۳ درصد) به ترتیب در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار می‌گیرند. در این میان، هدف بهبود وضعیت علمی و آموزشی (۱،۷۴ درصد) کمترین ابزار را به خود اختصاص داده است. از مجموع این ابزارها، ۶۲،۰۰ درصد مربوط به اهداف کوتاه‌مدت (حفظ دوره آرامش، تمامیت ارضی و امتیازهای امنیتی اسرائیل) و ۳۷،۹۹ درصد مربوط به اهداف میان‌مدت (بهبود قابلیت نظامی اسرائیل) می‌شود.

۵-۳-۶. روش به کارگیری از ابزارها

رویکردها

یافته‌های حاصل از بررسی سند امنیتی آیزنکوت نشان می‌دهد که تأکید این سند بر رویکرد آمادگی (۵۱،۰۹ درصد) است و مجموع رویکردهای تسلیم‌کردن (۲۷،۹۴ درصد)، شکل‌دهی (۹،۱۷ درصد)، ترغیب‌کردن (۵،۶۷ درصد) و اجبار (۵،۲۴ درصد) در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار می‌گیرند. رویکرد متقاعدکردن و از بین بردن هر کدام با اختصاص ۰،۴۳ درصد از داده‌ها به

خود، کمترین درصد را در رویکرد اسرائیل در استفاده از ابزارها برای پیشبرد اهداف دارد. رویکرد تسلیم کردن با استفاده از ابزار نظامی (۲۷،۹۴ درصد)، آمادگی در حوزه اطلاعاتی (۲۲،۷۰ درصد) و آمادگی در حوزه نظامی (۱۷،۹۰ درصد)، حوزه‌هایی هستند که بیشترین درصد از کل رویکرد اسرائیل را تشکیل می‌دهند.

شیوه اقدام

شیوه اقدام اسرائیل در حوزه آشکاربودن ابزارهای مورد استفاده برای دستیابی به اهداف، به ابزار نظامی متمرکز است و ابزارهای دیپلماسی و اطلاعات در رتبه‌های بعدی قرار دارند. شیوه اقدام پنهان نیز متمرکز بر ابزار اطلاعات است و ابزار نظامی نیز بخش دیگری از این شیوه اقدام را شامل می‌شود. یافته‌های حاصل از بررسی سند امنیتی آیزنکوت نشان می‌دهد که شیوه اقدام اسرائیل در مورد یک‌جانبه یا چندجانبه بودن متمرکز بر یک‌جانبه یا چندجانبه‌گرایی دروغین (۹۵،۵۸ درصد) است و چندجانبه‌گرایی، ۴،۴۱ درصد از شیوه اقدام این بازیگر را در بر می‌گیرد. در مورد شیوه اقدام آشکار یا پنهان بودن باید بگوییم، ۸۴،۵۵ درصد از داده‌ها به شیوه اقدام آشکار و ۱۵،۴۴ درصد دیگر به شیوه اقدام پنهان اختصاص دارد. به طوری که در شیوه اقدام پنهان به انجام عملیات ویژه و سایبری برای خنثی کردن قابلیت‌های راهبرد دشمن و روندهای منفی اشاره شد. در حوزه اطلاعاتی نیز برتری اطلاعاتی و هشدار زود هنگام و همچنین حفظ ارتباط پنهان با طرف‌های ذی‌نفع برای شناسایی تهدیدات و خنثی‌سازی آن‌ها مورد توجه قرار گرفت.

۶-۲. راهبرد نظامی

۶-۲-۱. دیدگاه راهبردی

بررسی سند راهبرد نظامی اسرائیل نشان می‌دهد که کدهای بسیار ناچیزی به مقوله دیدگاه راهبردی اختصاص یافته است. با این حال، براساس یافته‌های حاصله می‌توان گفت دیدگاه این رژیم فقط مبتنی بر رقابت و اقدامات جنبش مقاومت در منطقه است.

۶-۲-۲. منافع و اهداف

چالشی بودن محیط منطقه‌ای و اقدامات جنبش مقاومت در منطقه از دیدگاه اسرائیل سبب شد تا تل‌آویو بیشتر، اهداف سیاسی «حفظ دوره آرامش، تمامیت ارضی و امتیازهای امنیتی اسرائیل»

و «بهبود قابلیت نظامی» را در دستور کار خود قرار دهد. بنابراین وجود روندهای چالشی و منفی در منطقه و دغدغه اسرائیل نسبت به موجودیت خود از عوامل اصلی تمرکز این رژیم بر اهداف کوتاه مدت و میان مدت است.

۳-۶-۲. تهدیدات

بررسی سند راهبرد نظامی اسرائیل نشان می دهد که ۴۰،۶۲ درصد از تهدیدات این بازیگر مربوط به تهدیدات غیرنظامی از نوع انسانی خشونت آمیز از سوی سازمان های غیردولتی (حزب الله و حماس) و تروریستی (جهاد اسلامی و داعش) است. تهدیدات نظامی با تأکید بر تهدیدات متعارف ۳۱،۲۵ درصد از تهدیدات اسرائیل را به خود اختصاص می دهند که بیشتر توسط ایران، لبنان و سوریه تحمیل می شوند. دیگر تهدیدات که بیشتر مربوط به نفوذ دشمنان به اسرائیل و ناتوانی این رژیم در دستیابی به بازدارندگی مؤثر به دلیل تغییر تهدیدات (گسترش تهدید تروریستی و کاهش تهدید دولتی) می شود، ۲۸،۱۲ درصد از تهدیدات را شامل می شود.

۴-۶-۲. ابزارها

بررسی سند راهبرد نظامی اسرائیل نشان می دهد که این رژیم بیشتر از ابزار نظامی با تأکید بر تقویت توان نظامی و اعمال زور (۷۰،۴۲ درصد) برای رسیدن به اهداف خود استفاده می کند. ۲۵،۳۰ درصد از این ابزارها متعلق به ابزار اطلاعات با تأکید بر ادراک و دیگر اقدامات اطلاعاتی و امنیتی است. ابزارهای دیپلماسی، دیگر ابزارها و اقتصاد هرکدام به ترتیب ۳،۰۴، ۰،۹۱ و ۰،۳۰ درصد از داده ها را به خودشان اختصاص دادند که در مقایسه با ابزارهای نظامی و اطلاعاتی بسیار ناچیز هستند. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بررسی داده های حاصل از سند راهبرد نظامی نشان می دهد که از مجموع این ابزارها، ۵۴،۵۷ درصد به هدف «حفظ دوره آرامش، تمامیت ارضی و امتیازهای امنیتی اسرائیل» اختصاص دارد. اهداف بهبود قابلیت نظامی (۳۴،۷۵ درصد) و تقویت موقعیت بین المللی و منطقه اسرائیل (۹،۷۵ درصد) به ترتیب در رتبه های دوم سوم قرار می گیرند. در این میان، هدف بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی (۰،۹۱ درصد) کمترین ابزار را به خود اختصاص داده است. از مجموع این ابزارها، ۵۴/۵۷ درصد مربوط به هدف کوتاه مدت (حفظ دوره آرامش، تمامیت ارضی و امتیازهای امنیتی اسرائیل) و ۴۵،۴۲ درصد به هدف میان مدت (بهبود قابلیت نظامی اسرائیل) مربوط می شود.

۵-۶-۲. روش به کارگیری از ابزارها

رویکردها

یافته‌های حاصل از بررسی سند راهبرد نظامی نشان می‌دهد که بیشتر تأکید اسرائیل به رویکرد آمادگی (۵۳،۹۶ درصد) است و مجموع رویکردهای تسلیم‌کردن (۲۹ درصد)، شکل‌دهی (۹،۷۵ درصد) و اجبار (۴،۵۷ درصد) در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار می‌گیرند. رویکرد متقاعدکردن با اختصاص ۳۰٪ درصد از داده‌ها، کمترین درصد از رویکرد اسرائیل در استفاده از ابزارها برای پیشبرد اهداف را نشان می‌دهد. رویکرد آمادگی نظامی (۳۴،۷۵ درصد)، تسلیم‌کردن (۲۹،۲۶ درصد)، آمادگی اطلاعاتی (۱۷،۶۸ درصد) و شکل‌دهی با استفاده از ابزار اطلاعات (۷،۳۱ درصد) حوزه‌هایی هستند که بیشترین درصد از کل رویکرد اسرائیل را تشکیل می‌دهند.

شیوه اقدام

شیوه اقدام اسرائیل در حوزه آشکاربودن ابزارهای مورد استفاده، ابزار نظامی است و ابزارهای اطلاعات دیپلماسی و اقتصادی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. شیوه اقدام پنهان نیز متمرکز بر ابزار اطلاعات است و ابزار نظامی بخش دیگری از این شیوه اقدام است. یافته‌های حاصل از بررسی این سند نشان می‌دهد که شیوه اقدام اسرائیل در مورد یک‌جانبه یا چندجانبه بودن، متمرکز بر یک‌جانبه و دو یا چندجانبه‌گرایی دروغین (۹۱،۳۰ درصد) است و چندجانبه‌گرایی، ۸،۶۹ درصد از شیوه اقدام این بازیگر را در بر می‌گیرد. در مورد شیوه اقدام آشکار یا پنهان بودن باید گفت ۶۲،۶۰ درصد از داده‌ها به شیوه اقدام آشکار و ۳۷،۳۹ درصد دیگر به شیوه اقدام پنهان اختصاص دارد. به طوری که در شیوه اقدام پنهان، انجام عملیات پنهانی پیشگیرانه، چه به صورت یک‌جانبه و چه از راه همکاری با دیگر کشورها، برای خنثی کردن قابلیت‌های دشمن و ابتکار عمل آن مورد توجه قرار گرفت. اسرائیل در این شیوه اقدام، استفاده از جنگ سایبری و شرکت در ائتلاف سایبری را نیز برای تقویت بازدارندگی راهبردی و تاکتیکی در دستور کار خود قرار داد. پشتیبانی اطلاعاتی و جاسوسی مداوم برای اقدام در چارچوب مبارزه بین جنگ‌ها و همچنین هشدار زودهنگام در مورد قابلیت‌های دشمن و تغییرات چشمگیر در محیط، در همین بُعد تحلیل می‌شود.

۷. نتیجه و پیشنهادها

۷-۱. نتیجه

اسرائیل جهان را رقابتی می‌بیند که در آن تلاش روسیه و چین برای افزایش نفوذ در خاورمیانه، نفوذ روزافزون ایران در عراق، یمن سوریه و لبنان برای تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای و تلاش حزب الله برای افزایش قدرتش در لبنان وجود دارد. تمرکز اسناد راهبردی این رژیم در مقوله اهداف به «حفظ دوره آرامش، تمامیت ارضی و امتیازهای امنیتی اسرائیل» و «بهبود قابلیت‌های نظامی» است. اسرائیل در تهدیدات به تهدید «نظامی متعارف» همچون امکان شکل‌گیری عملیات نظامی از سوی بازیگران دولتی به‌ویژه ایران، لبنان، دولت‌های شکست خورده و سوریه با درگیری گسترده و به تهدید «غیرنظامی، غیرخشونت‌آمیز و خشونت‌آمیز» همچون احساسات ضداسرائیلی برای انکار مشروعیت دولت یهودی، ترویج بایکوت‌های اقتصادی علیه اسرائیل و افزایش تهدید نامتقارن و آسیب‌های جدی از سوی سازمان‌های تروریستی و در همان حال به افزایش تهدید نامتقارن و آسیب‌های جدی از سوی سازمان‌های تروریستی و همچنین گسترش نیروهای تروریستی در مناطق پرجمعیت سرزمین‌های بدون صاحب تأکید دارد. این رژیم در ابزارها به «ابزار نظامی و اطلاعات» و روش به‌کارگیری از ابزارها در رویکرد به «آمادگی و تسلیم کردن» و در شیوه اقدام به «یک‌جانبه‌گرایی یا چندجانبه‌گرایی دروغین (۹۲.۲۰ درصد) و آشکار (۷۸.۲۲ درصد)» متمرکز است.

بررسی اسناد راهبرد اسرائیل نشان می‌دهد که جهان‌بینی این بازیگر نیز همانند آمریکا مبتنی بر فرهنگ هابزی و دشمنی است. جایی که در آن نگاه به‌شدت بدبینانه‌ای نسبت به محیط پیرامونی و آینده وجود دارد و در صورت وقوع جنگ هیچ مرزی برای خشونت به رسمیت نمی‌شناسد. استفاده از حملات فعالانه و پیشگیرانه برای دست‌یابی به پیروزی و تغییر موازنه راهبردی، از بین بردن قابلیت‌های حزب الله و حماس با نابودکردن نیروهایش، تحمیل خسارت سنگین به سازمان‌های غیردولتی و نابودکردن زیرساخت‌های آنها و ایجاد تلاش‌های متمرکز برای مقابله و خنثی کردن تسلیحات غیرمتعارف، از ویژگی‌های جهان‌بینی هابزی اسرائیل است. تجدیدنظرطلبانه بودن سیاست‌های اسرائیل نیز یکی دیگر از ویژگی‌های این جهان‌بینی را نشان می‌دهد. به طوری که اسرائیل حتی در وضعیت عادی (یکی از وضعیت‌های سه‌گانه «عادی،

اضطراری و جنگ) نیز، مجموعه‌ای از اقدامات دفاعی و تهاجمی، نظامی و غیرنظامی و آشکار و پنهان را برای جلوگیری از توسعه قابلیت‌های دشمن و کاهش آزادی عمل آن به کار می‌گیرد. با توجه به اسناد راهبردی اسرائیل می‌توان گفت جهت‌گیری‌های کلان این کشور مبتنی بر واقع‌گرایی تهاجمی مرشایمر است. غالب بودن واقع‌گرایی تهاجمی در سیاست‌های اسرائیل به پیشینه‌کردن قدرت نظامی این رژیم اشاره دارد و در اینجا موضوعات امنیت بین‌المللی، بقا، موضوعات نظامی، خوداتکایی در دستیابی به امنیت و دولت‌محوری مطرح است. انباشت قدرت در قالب رویکرد تهاجمی به رهبران اسرائیل این توانایی و اعتماد به نفس را می‌دهد که نسبت به همسایگان و محیط هم‌جوار خود ادعای سرزمینی داشته و در پی اعمال ضربه به آن‌ها و تغییر معادلات پیشین به نفع خود باشد. هرچند اسرائیل با رویکرد تهاجمی خود، یک قدرت توسعه‌طلب در عرصه جهانی محسوب نمی‌شود، در سطح منطقه می‌خواهد بر سیاست‌گذاری کشورهای همسایه و دیگر کشورها تأثیر بگذارد و به نوعی هژمونی منطقه‌ای را به ضرر قدرت دیگران به دست بگیرد. شیوه اقدام اسرائیل مبتنی بر یک‌جانبه‌گرایی است و این رژیم می‌کوشد واقعیت‌های راهبردی منطقه و محیط پیرامونی را در راستای منافع و اهداف خود سوق دهد. یافته‌های حاصل از بررسی اسناد راهبردی اسرائیل نشان می‌دهد سیاست‌های این رژیم مبتنی بر مفهوم «دیوار آهنین» و ایده‌های مرتبط با اندیشه‌های بن‌گوریون است. این رژیم در حال حاضر از یک سو به دنبال افزایش آمادگی خود در حوزه نظامی با اتکا به منابع داخلی و حفظ حمایت آمریکا برای بهبود رتبه عددی، تعداد معدودی (اسرائیل) در مقابل تعداد بسیار (دشمنان) و از سوی دیگر به دنبال انجام اقدامات اطلاعاتی و نظامی فعال (پیش‌دستانه یا پیشگیرانه) و تهاجمی علیه دشمنان در خاک دشمن در زمان جنگ و دوره آرامش (مبارزه بین جنگ‌ها) است. مجموع این اقدامات در قالب تقویت خوداتکایی اسرائیل و متأثرنشدن از فشار کشورهای منطقه، انجام اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از آسیب‌پذیری رژیم و تضعیف قابلیت‌های دشمن، انجام اقدامات نظامی و اطلاعاتی در کمترین زمان ممکن و همچنین تأثیرگذاری بر سیاست کشورهای منطقه، مطابق با مفهوم «دیوار آهنین» و «اندیشه‌های بن‌گوریون» قابل تحلیل است.

۲-۷. پیشنهادها

۱. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران باید با فعال‌سازی دیپلماسی نظامی با کشورهای منطقه به‌ویژه عراق و سوریه و توانمندسازی نظامی این متحدان، آن‌ها را به پاسخ‌گویی به تهدیدات نظامی اسرائیل و کارشکنی‌های روسیه مجاب کنند.
۲. از آنجایی که اسرائیل از میان‌بردن قابلیت‌های دشمنان خود را اقدامی پیش‌دستانه تلقی می‌کند؛ لازم است نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران توجه بیشتری به پدافند سایبری و اقدامات حفاظتی نسبت به مراکز حساس و دانشمندان نظامی داشته باشد.^۱
۳. با توجه به پایین بودن آستانه تحمل اسرائیل در مورد مسئله هسته‌ای ایران، سیاست‌گذاری در پیرامون برجام باید به‌گونه‌ای باشد که مانع اجرای تصمیماتی شود که واکنش نظامی پیشگیرانه و خراب‌کارهای سایبری این رژیم را به دنبال دارد.
۴. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران باید پاسخ مناسبی به خراب‌کاری‌های اسرائیل بدهد تا انفعال ایران در برابر آن‌ها منجر به ایجاد این ذهنیت نشود که آن‌ها در قبال اقدامات خود از مجازات مصون هستند. شایان توجه اینکه پاسخ به تحرکات و تهدیدات باید مبتنی بر اصل ضرورت و تناسب باشد تا اقدام ارتش تهاجمی تلقی نشود و بی‌دلیل تنش‌ها را افزایش ندهد.
۵. با توجه به اینکه اسرائیل با ارائه روایت‌هایی دروغین می‌خواهد ابتکار عمل دیگر کشورها به‌ویژه ایران را کاهش دهد. ضروری است که نیروهای مسلح با تأکید بر ضدروایت‌هایی علیه این رژیم، مشروعیت اسرائیل را نزد افکار عمومی جهان اسلام و ملت‌های آزاده زیر سؤال ببرند و همراهی دیگر کشورها را به دست آورند. بنابراین نیروهای مسلح از این راه هم می‌تواند با روایت‌های تندوتیز آمریکا و اسرائیل که جمهوری اسلامی ایران را در موقعیت منفی قرار می‌دهد مقابله کند و هم اینکه با این اقدام می‌تواند آزادی عمل جمهوری اسلامی ایران را افزایش دهد.
۶. از آنجایی که اسرائیل طرح عادی‌سازی با کشورهای عرب را در دستور کار خود قرار داده است، باید به فعال‌سازی دیپلماسی ایران با کشورهای منطقه بیش از پیش توجه شود و آن را در شمار رویکرد یک‌جانه‌گرایی کشورهای غربی، عربی و عبری و حل‌نشده باقی‌گذاشتن مسئله فلسطین بداند.

۱. چراکه طبق گزارش تارنمای ریسپانسیبل استیت کرافت، اسرائیل پشت ترور دانشمندان هسته‌ای به‌ویژه فخری‌زاده قرار دارد و خراب‌کارهای انجام شده در نطنز نیز از سوی این رژیم صورت گرفته است (Parsi, 2020).

References

1. Abedi Sar Asia (2016), "Modern Hermeneutics and Interpretive Theory of Shahid Motahari", *Approaches to Quranic and Hadith Sciences*, No. 97. 117-97.
2. Ebrahimi, Shahrooz and Sheikh Hosseini, Mokhtar (2011), "Hermeneutics and its Methodological Application in Political Science and International Relations", *Methodology in Social Sciences and Humanities*, No. 68, 82-59.
3. Kim, Musa (2017), "The Thought of the Zionist Rule" *Biannual Student Journal of Ta'ammol*, No. 4.
4. Momeni Rad, Akbar; Aliabadi, Khadijeh; Fardanesh, Hashem and Mazini, Nasser (2013), "Qualitative Content Analysis in the Research Tradition: Nature, Stages and Validity of Results", *Journal of Educational Measurement*, No. 14.
5. Mousavi, Mohammad (2007) (a), "Introduction to Hermeneutics and its Types", *Peyk Noor*, No. 5.
6. Mousavi, Mohammad (2007) (b), "Hermeneutics as a Method in Political Thought", *Political Science Quarterly of Karaj Azad University*, No. 7.
7. Tabrizi, Mansoureh (2014), "Qualitative Content Analysis from the Perspective of Deductive and Inductive Approaches". *Social Sciences Quarterly*, No. 64.
8. Tayebi Abolhassani, Amir Hossein (2019), "Introduction to Research Methods: Standard Procedures for Qualitative Data Analysis", *Journal of Science and Technology Policy Letters*, No. 2.
9. Eisenkot, G., & Siboni, G. (2019). *Guidelines for Israel's national*



security strategy (Policy Focus 160). The Washington Institute for Near East Policy.

10. Finkel, Gal Perl (2020), “An IDF Multi-Year Plan for the Ground Forces”, INSS Insight No. 1344.

11. Finkel, M. (2020), IDF Strategy Documents, 2002-2018: On Processes, Chiefs of Staff, and the IDF. A Multidisciplinary Journal on National Security, 3.

12. Freilich, C. D. (2018). *Israeli National security: a new strategy for an Era of change*. Oxford University Press.

13. Heffington, S., Oler, A., & Tretler, D. (Eds.). (2019). *A National Security Strategy Primer*. National Defense University Press. Washington, D.C.

14. Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288

15. Israel Defense Forces Strategy document of Israel in 2015.

16. Lappin, Yaakov (2020), “IDF Budget Uncertainty and the Momentum Plan”, BESA Center Perspectives Paper No. 1,686.

17. Layne, Christopher, (1997, summer), “From Preponderance to Offshore Balancing: America’s Future Grand Strategy, *International security*.

18. Meridor, D., & Eldadi, R. (2019). *Israel’s national security doctrine: The report of the Committee on the Formulation of the National Security Doctrine (Meridor Committee) ten years later*. Tel Aviv: Institute for National Security Studies (No. 187). Memorandum.

19. Nagel, Jacob & Jonathan Schanzer (2019), *From Ben-Gurion to Netanyahu: The Evolution of Israel’s National Security Strategy*, The Foundation for Defense of Democracies: FDD.

20. Pynnöniemi, K. P., Raik, K., Aaltola, M., & Kallio, J. (2018). The security strategies of the US, China, Russia and the EU: Living in different worlds. Ulkopoliittinen instituutti
21. Pynnöniemi, K. P., Raik, K., Aaltola, M., & Kallio, J. (2018). The security strategies of the US, China, Russia and the EU: Living in different worlds. Ulkopoliittinen instituutti
22. Reese, Sh. (2013). Defining homeland security: Analysis and congressional considerations. Congressional Research Service Report for Congress. Prepared for Members and Committees of Congress. Retrieved on 8 May 2015 from: <http://fas.org/sgp/crs/homesec/R42462.pdf>.

